

شناخت نخبگان فکری و شیوه عمل آنها در ایران پس از انقلاب

محمد شبانپور

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مطالعات منطقه ای (گرایش امریکای شمالی) - دانشگاه آزاد تهران مرکزی

چکیده

پر واضح است که شناسایی نخبگان از غیرنخبگان در حوزه جامعه بدون شناخت نخبگان فکری و شیوه عمل آنها در ایران پس از انقلاب ممکن نیست. می توان گفت که نخبگان فکری کسانی هستند که اندیشه و فکر، روش های بهینه، تئوری، آینده نگری و دور اندیشی تولید می کنند. این نخبگان روش های عقلایی تحقیق اهداف را مشخص می کنند و روشنفکران، دانشگاهیان، نویسندگان، اصحاب مطبوعات و محققین جزء این گروه نخبه به حساب می آیند. به هر صورت بعد از انقلاب اسلامی ایران تحولات گوناگونی به وقوع پیوست، که از جمله آنها می توان تغییر در وضعیت اجتماعی نخبگان فکری را دانست. این پژوهش در صدد بررسی و شناخت نخبگان فکری و شیوه عمل آنها در ایران پس از انقلاب است تا به پاسخ این سوال برسد که اساسا ما می توانیم به نخبگان فکری پس از انقلاب اسلامی قائل باشیم؟ روش تحقیق ما در این مقاله با توجه به نظریه پاره تو و دیگر اندیشمندان نظریه نخبگان است و روش تحلیل این مقاله نیز تحلیلی-توصیفی می باشد.

واژگان کلیدی: نخبه، نخبه فکری، نخبه ابزاری، انقلاب اسلامی.

۱- مقدمه

در میان اندیشمندان تاثیرگذار رنسانس، ماکیاولی معتقد بود که "الیت گروه حاکمه ای است که اراده و مردانگی لازم برای پاسداری از قدرت و مبانی آن را دارد" (بشیریه؛ ۱۳۷۴؛ ۶۷). این نخبه می تواند پژوهشگری در حوزه ی علوم سیاسی باشد و با مطالعه و مقایسه ی سیر توسعه یافتگی کشورهای مرکز، به ارائه راهکارهایی برای توسعه یافتن و بالا رفتن قدرت و توانایی کشورش دست بزند و با این کار تاثیری در چرخه ی رشد جامعه به سمت توسعه داشته باشد؛ یا مهندسی باشد که در دستیابی کشورش به دانش هوا فضا برای دسترسی بیشتر به مسائل کیهانی و برون زمینی نقش بازی کند. نیچه معتقد بود "تاریخ بشر عبارت است از تاریخ مبارزه بین نژادهای عالی و پست، میان توانایان و ناتوانان و اینکه جهان و جامعه، عرصه عمل ابرمردها و نوابغ است که با تمام نیرو به سوی اوج و نبرد و پیروزی می روند. فقط آنها هستند که سازنده تاریخند و به هیچ قاعده اخلاقی در این سیر به اوج، مقید نیستند" (آقابخشی؛ ۱۳۶۳؛ ۲۷۵). اما هارولد لاسول بر این عقیده بود که نخبگان در پی به دست آوردن سه چیز هستند: احترام، ثروت و آرامش خاطر. (صلاحی؛ ۱۳۹۰؛ ۵۸)

به عقیده بسیاری از پژوهشگران حوزه توسعه، نخبگان هستند که ساختار یک کشور را به سمت توسعه یافتگی به پیش می برند. باید گفت که رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به چهار عامل اساسی سرمایه، نیروی انسانی، مواد خام و دانش و فن وابسته است. در اکثر کشورهای در حال توسعه، انباشت سرمایه صورت نمی گیرد و یا آنها نیز چون ایران، اقتصادی تک محصولی مانند نفت دارند، و یا برای سرمایه گذاری دست به دامان شرکت ها یا بانک های خارجی می شوند و از جهت دانش و فن، موسسات تحقیقاتی گوناگون در این کشورها یا حضوری ندارند یا اگر هستند کار ابداعی و خلاقانه صورت نمی